**جلسه 10-122**

**دو‌شنبه - 17/07/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث در کراهت نافله مبتدئه در پنج وقت بود که مشهور قائل بودند.

چهار روایت را مرحوم آقای خوئی مطرح کرد در رابطه با کراهت اتیان نافله مبتدئه بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب و بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب و اشکال سندی و یا دلالی کردند. و فرمود بنابراین ثابت نشد کراهت نماز در این دو وقت. اما کراهت نماز در سه وقت دیگر که یکی قبیل طلوع الشمس، ‌یکی قبیل غروب الشمس، یکی هم قبیل زوال الشمس، آن‌ها هم روایات دیگری دارد که ایشان مطرح کرده و از آن‌ها هم جواب داده.

فعلا راجع به همان کراهت نماز نافله مبتدئه در آن دو وقت اول که بعد صلاة الفجر الی طلوع الشمس و بعد صلاة العصر الی غروب الشمس صحبت بکنیم.

مرحوم آقای خوئی در این چهار روایت اشکال سندی و دلالی کرد که به نظر ما این اشکال‌ها وارد نبود. مثلا روایت محمد حلبی هم سندش تمام بود و هم دلالتش. و این‌که در روایت آمده بود که ان الشمس اذا طلعت تطلع بقرنی شیطان و آقای خوئی فرمودند که این مطلب مقطوع البطلان است و این شبیه سخنان عامه است، معلوم می‌‌شود اگر امام هم این جمله را فرموده تقیتا فرموده و الا لازمه‌اش این است که زمین کروی که هر لحظه بالاخره این حالت را دارد که یک طلوع آفتابی در یک جایی همین الان هست، غروب آفتاب هم در جایی هست، زوال هم در جایی هست، پس ما هیچوقت نماز مستحب نخوانیم دیگه، چون قرنی شیطان بالاخره یک جایی هست که در آنجا دارد خورشید طلوع می‌‌کند یا غروب می‌‌کند.

خب انصافا این فرمایش ناتمام است. چون این بیان اگر از امام صادر بشود که مقطوع البطلان نمی‌شود بگوییم هست. یعنی نمی‌شود بگوییم چون مقطوع البطلان است پس از امام صادر نشده الا تقیتا؛ قابل توجیه است. بالاخره امور معنوی است؛ هر کجا که خورشید طلوع می‌‌کند نسبت به آنجا آن زمان، زمان عبادت نباشد، ‌تعبیر عرفیش این است:‌ بگویند ان الشمس اذا طلعت تطلع بقرنی شیطان. چرا؟ برای این‌که شیطان تاثیر معنوی دارد در آن زمان، بخاطر این‌که خورشید‌پرستان آن زمان را مناسب پرستش خورشید می‌‌دانند که پرستش خورشید بازگشتش به پرستش شیطان است چون شیطان فریب می‌‌دهد آن‌ها را که عبادت بکنند غیر خدا را، این بیان عرفیش این است که ان الشمس اذا طلعت تطلع علی قرنی شیطان. هرجا که طلوع شمس می‌‌شود همانجا نه جاهای دیگر.

و علاوه که روایت منحصر به این چهار تا هم نیست؛ روایت دیگری داریم که البته ممکن است آقای خوئی در سند این روایت هم مناقشه بکند. روایت محمد بن سنان عن ابن مسکان عن الحسن بن زیاد صیقل که محمد بن سنان از نظر آقای خوئی ضعیف است، ‌حسن بن زیاد صیقل هم که توثیقش ثابت نیست: قال سألت اباعبدالله علیه السلام عن رجل نسی الاولی، ‌خلاصه این روایت این است که امام فرق گذاشت در این روایت، فرمود در اثناء نماز عصر اگر انسان ملتفت بشود نماز ظهر را نخوانده، ‌عدول می‌‌کند به نماز ظهر، بعد نماز عصر می‌‌خواند، اما اگر در اثناء نماز عشاء، رکعت دوم نماز عشاء مثلا، ملتفت شد نماز مغرب را نخوانده، نماز عشاء را می‌‌خواند، ‌عدول نمی‌کند به نماز مغرب، بعد نماز مغرب را می‌‌خواند. راوی می‌‌پرسد که چرا؟ چه فرق می‌‌کند؟ در نماز عصر می‌‌گویید اگر فهمید نماز ظهر را نخوانده عدول بکند ولی در نماز عشاء می‌‌گویید اگر فهمید نماز مغرب را نخوانده و لو هنوز وقت عدول باقی است، وارد رکوع رکعت چهارم نماز عشاء نشده می‌‌فرمایید عدول نکند، نماز عشاء‌ را تمام بکند بعد مغرب بخواند؟ چرا؟ حضرت فرمود طبق این روایت لیس هذا مثل هذا ان العصر لیس بعدها صلات و العشاء‌ بعدها عشاء، ‌نماز عصر دیگه تا غروب آفتاب بعدش نمازی نیست بخواهد عدول نکند به نماز ظهر، نماز عصرش را تمام بکند، می‌‌خواهد بعد از نماز عصر نماز ظهر بخواند دیگه، لیس بعد العصر صلات ولی در نماز عشاء عدول نکند به نماز مغربی که نخوانده، ‌خب بعد از نماز عشاء نماز مغربش را بخواند، العشاء بعدها صلات. این ظاهرش این است که بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب دیگه نمازی نیست، ‌دیگه نمازی فضیلت ندارد، نهی داریم از نماز بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب.

و لکن این روایت سندش ضعیف است، ‌به نظر ما هم سندش ضعیف است. چون حالا محمد بن سنان را اگر کسی تصحیح هم بکند حسن بن زیاد صیقل مجهول است. و لکن در همان روایت سابقه ما می‌‌بینیم نه اشکال سندی درست بود، نه اشکال دلالی درست بود.

پس دلالت روایات بر نهی از نماز نافله مبتدئه بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب و بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب تمام است؛ باید برویم سراغ معارض‌ها.

[سؤال: ... جواب:] فوقش تقیید می‌‌زنید این روایت را. روایت می‌‌گوید لیس بعد العصر صلات. ... او استثناء می‌‌شود. صلات قضاء استثناء شده، یقضیها متی ذکرت. ... شارع می‌‌گوید عدول کن چون بعد از نماز عصر دیگه نمازی نیست. ... حکمتش این است دیگه. چون بعد از نماز عصر مکروه است آدم نماز بخواند مگر نماز قضاء، حالا که این نماز قضاء‌ نیست که، داخل وقتش هستیم. نماز قضاء مکروه نیست. نماز آیات هم این‌ها دلیل داریم، اربع صلوات یصلیها، روایت داریم روایت صحیحه هم هست یکی همین نماز آیات است: یصلیها فی ‌ایّ وقت. بخوانم روایتش را، ‌روایتش این است: صحیحه زراره: اربع صلوات یصلیها الرجل فی کل ساعة صلات فاتتک فمتی ذکرتها أدیتها صلات رکعتی طواف الفریضة صلاة الکسوف، یعنی همین صلات آیات، و الصلاة علی المیت هذه یصلیهن الرجل فی الساعات کلها. این‌ها تخصیص خورده. اما این روایت حسن بن زیاد صیقل اطلاقش می‌‌گوید لیس بعد العصر صلات. ... این صحیحه زراره در نمازهای واجب است. نمازهای واجب این چهارگانه‌ای که اسم برده شد یصلیها فی‌ ایّ ساعة در مقابل نمازهای ادائیه که وقت معینی دارد.

ما پس باید دنبال روایات معارض برویم، ‌ببینیم روایات معارض دلالت می‌‌کند بر عدم کراهت صلات، ‌عدم کراهت نافله مبتدئه بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب و بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب یا دلالت نمی‌کند. بحث روایات معارضه را در آخر عرض می‌‌کنیم.

حالا راجع به آن سه قسم از اوقات، عند و قبیل طلوع الشمس، قبیل الزوال، قبیل الغروب که آن سه وقت اخیر بود که در عروه ذکر شد که بعضی گفتند مکروه است نافله مبتدئه در آن، این هم مضمون برخی از روایات هست که این‌ها را هم عرض کنیم.

صحیحه محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام: یصلی علی الجنازة فی کل ساعة‌ انها لیست بصلاة رکوع و لاسجود و انما تکره الصلاة عند طلوع الشمس و عند غروبها التی فیها الخشوع و الرکوع و السجود لانها تغرب بین قرنی شیطان و تطلع بین قرنی شیطان. این روایت‌، صحیحه هست. می‌‌فرماید نماز میت چون رکوع و سجود ندارد و لذا هر وقت شد بخوانید؛ آن نمازی که عند طلوع الشمس و عند غروب الشمس مکروه است آن نمازی است که رکوع و سجود دارد. چرا مکروه است نمازی که رکوع و سجود دارد هنگام طلوع شمس یا هنگام غروب شمس بخوانیم؟ بخاطر این‌که خورشید غروب می‌‌کند بین دو شاخ شیطان و طلوع می‌‌کند بین دو شاخ شیطان.

خب این روایت راجع به کراهت نافله عند طلوع الشمس یعنی قبیل طلوع الشمس الی طلوع الشمس و قبیل الغروب الی الغروب است.

[سؤال: ... جواب:] قسم اول و دوم بود: من بعد صلاة العصر الی الغروب و ممن بعد صلاة الفجر الی الطلوع. ... خیلی وقتش موسع بود. الان ما با این روایت فقط آن قسمی را که می‌‌گفت یکره النافلة‌ المبتدئة قبیل طلوع الشمس، حوالی طلوع شمس و حوالی غروب، برای او این روایت را می‌‌شود استدلال کرد و الا شما نماز عصرتان را همان ساعت دوازده می‌‌خوانید، این روایت که نمی‌گوید مکروه است بعد از این نماز عصر نماز نافله خواندن. ‌آن روایات قبیل می‌‌گفت اما این روایت که نمی‌گوید. این روایت فقط در هنگام غروب آفتاب و در هنگام طلوع آفتاب می‌‌گوید نماز مکروه است. ... و انما تکره الصلاة عند طلوع الشمس و عند غروبها. ... قضاء نوافل این‌ها را که می‌‌فرمایید دلیل مخصص داریم. بالاخره اطلاق دارد، اطلاقش را حالا فعلا نافله مبتدئه را شامل می‌‌شود.

[سؤال: ... جواب:] عند الطلوع یعنی حوالی طلوع. عند یعنی همین دیگه. عند یعنی هنگام عرفی و الا هنگام حقیقی اصلا نداریم. هنگام حقیقی یا قبل از طلوع است یا بعد از طلوع. عند الطلوع یعنی همان حوالی طلوع. ... حوالی طلوع آفتاب و حوالی غروب آفتاب. در این روایت حتی تنبسط نیست ولی روایات دیگر دارد حتی یذهب شعاها که او را می‌‌رسیم.

مرحوم آقای خوئی فرموده که این روایت اگر تمام بشود دلالت بر کراهت می‌‌کند، از اول بگوییم، ‌حرمت از آن استفاده نمی‌شود چون دارد یکره. علاوه بر این‌که قابل التزام نیست بخاطر این تعلیلش که عرض کردیم آقای خوئی می‌‌فرماید مقطوع البطلان است و یشبه المجعولات العامة. بعد ایشان فرموده بر فرض هم ما تمام بدانیم دلالت این روایت را معارض دارد که حالا بحث معارض را بعدا ما هم قبول داریم مطرح می‌‌کنیم.

[سؤال: ... جواب:] در مقابل صلات میت که در روایت هست که انما هی دعاء، انما هی استغفار، نماز میت نماز نیست، ‌دعاء است، ‌استغفار است. اگر هم به آن می‌‌گویند صلات مسامحتا می‌‌گویند. در مورد نمازی که رکوع و سجود دارد که بالحمل الشایع و بالمعنی الحقیقی صلات است می‌‌گوید انما تکره الصلاة عند طلوع الشمس و عند غروبها.

راجع به این‌که ایشان فرمود یکره صریح است در عدم حرمت یعنی یکره دلیل بر عدم حرمت است، اتفاقا یکره در عبادات ظاهر در حرمت است. یک وقت یکره در افعال تکوینیه می‌‌گویند، یکره اکل کذا، خوردن پنیر مکروه است، یکره اکل لحم الفرس، بله ما قبول داریم و لو برخی از بزرگان مثل آقای سیستانی و ظاهرا آقای زنجانی هم نظرشان همین است که یکره در لسان روایات ظهور در حرمت دارد ولی ما این را نفهمیدیم. بله از بعضی روایات خواستند استفاده کنند که کان علی یکره کذا و لم یکن علی علیه السلام یکره الحلال. کانّه چیزی را که بگویند مکروه نمی‌تواند حلال باشد، و لم یکن علی علیه السلام یکره الحلال. خب ما جواب دادیم، گفتیم این روایت که یکره علی ان یستبدل وسق بوسقین من التمر و لم یکن علی یکره الحلال در اینجا یکره به معنا کراهة شدیدة آمده اما دلیل نمی‌شود که ظهور اطلاقی یکره هم همین باشد. اما در عبادات وقتی می‌‌گویند یکره یعنی ناخوشایند است، خب ناخوشایند بودن یک عمل با عبادیت او ناسازگار است. بابا خدا خودش نمی‌آید موقع طلوع آفتاب نماز بخوانید، چه جور می‌‌خواهید نماز بخوانید قربة الی الله؟!

[سؤال: ... جواب:] حرمت تشریعیه فرض این است همین کافیه در اثبات حرمت عبادت دیگه. و الا حتی آقای خوئی می‌‌گوید نماز حائض هم حرمت ذاتیه ندارد، صوم یوم العید هم حرمت ذاتیه ندارد، حرمت تشریعیه مهم است. آقایان می‌‌خواهند بگویند حرمت تشریعیه ندارد نماز در هنگام طلوع آفتاب، فقط این روایت می‌‌گوید کراهت به معنای قلت ثواب، ما می‌‌گوییم نه، ‌ظاهر یکره این است که مبغوض است.

[سؤال: ... جواب:] قرینه می‌‌خواهد. قرینه بیاورید و الا پس بروید معارض‌ها را پیدا کنید. و الا این روایت ظاهرش در این است که این مبغوض است و لو مبغوض کراهتی با عبادیت سازگار نیست.

و اما این‌که آقای خوئی فرمود قابل التزام نیست این تعلیل این هم که جواب دادیم.

پس دلالت این روایت فی حد ذاته تمام است در کراهت نافله در آن دو وقتی که در عروه ذکر شد به عنوان وقت چهارم و پنجم ظاهرا که عند طلوع الشمس و عند غروب الشمس.

و همین‌طور روایت دیگر، صحیحه حلبی هست: لابأس بالصلاة علی الجنائز حین تغیب الشمس و حین تطلع انما هو استغفار.

این هم مضمونش همان مضمون صحیحه محمد بن مسلم است.

روایت دیگر راجع به کراهت نافله هنگام زوال، صحیحه عبدالله بن سنان: لاصلاة نصف النهار الا یوم الجمعة.

گفتند این هم این قسم را مکروه کرد که عند الزوال بخواهیم نافله مبتدئه بخوانیم. نصف النهار یعنی زوال دیگه.

انصاف این است که دلالت این روایت ناتمام است. چرا؟ برای این‌که این استثناء یوم الجمعة کار را مشتبه می‌‌کند؛ شاید مقصود این است که نافله مرتبه ما نداریم قبل الزوال مگر در روز جمعه. چون نافله مرتبه روز جمعه قبل از زوال هست. یا مقصود این است که نماز فریضه فقط روز جمعه از زوال شروع می‌‌شود و وقتش مضیق است، صلات جمعه اما نمازهای فریضه روزهای دیگر وقت فضیلتش اول زوال نیست که. تازه اول زوال می‌‌گویند نافله ظهر بخوان.

[سؤال: ... جواب:] احتمال دوم این است که ناظر به خود صلات فریضه است که فقط روز جمعه است که نماز جمعه را بلافاصله بعد از اذان ظهر می‌‌خوانند. حالا خطبتین که جزء نماز است. ولی روزهای دیگر بلافاصله نماز ظهر را بعد از زوال نمی‌خوانند، خلاف فضیلت است، اول نافله ظهر می‌‌خوانند، خود پیغمبر هم صبر می‌‌کردند، حالا برخی روایت دارد دو هفتم شاخص سایه رد می‌‌کرد، ‌بعضی روایات دارد یک هفتم شاخص رد می‌‌کرد، آن وقت نماز ظهر می‌‌خواندند قبلش نافله می‌‌خواندند.

لاصلاة نصف النهار الا یوم الجمعة، ‌شاید مقصود این است که فقط روز جمعه است که نماز فریضه را اول زوال می‌‌خوانند و الا روزهای دیگر اول زوال نماز فریضه را خلاف فضیلت است بخوانیم. پس ظهور ندارد این روایت در نفی نافله مبتدئه حوالی زوال شمس و الا فرقی بین روز جمعه و غیر روز جمعه نیست که. این فرق بین روز جمعه و روزهای دیگر یا بخاطر این است که می‌‌خواهد بگوید در روز جمعه نوافل مرتبه قبل از زوال خوانده می‌‌شود یا بخاطر این می‌‌گوید که همان صلات فریضه در یوم الجمعة مضیق است، در روایات دیگر هم داشتیم انما وقتها ضیق. ظهور ندارد از اول این روایت چی می‌‌خواهد بگوید. نصف النهار که خود زوال است نه قبیل زوال. هنگام زوال نماز نیست مگر روز جمعه، ‌این عبارت، عبارت روشنی نیست.

[سؤال: ... جواب:] آخه این‌که نگفت نوافل مبتدئه که. ... خب اول زوال نماز نداریم؟! نوافل ظهر و عصر چیه؟ ... آخه این قرینه واضحه است که مقصود را دچار ابهام کند شاید مقصود این است که ما عرض می‌‌کنیم که نماز فریضه در روزهای دیگر اول زوال نمی‌خوانند، نافله می‌‌خوانند فقط روز جمعه است که اول زوال نافله جمعه نمی‌خوانند نماز جمعه می‌‌خوانند.

عمده روایات همین‌ها بود که عرض کردیم.

برای کراهت نماز نافله در هنگام زوال غیر از این صحیحه عبدالله بن سنان‌ که در دلالتش اشکال کردیم، روایت دیگری هم می‌‌شود خواند.

روایت شعیب بن واقد عن الحسین بن زید عن جعفر بن محمد عن آبائه علیهم السلام: نهی النبی عن الصلاة عند طلوع الشمس و عند غروبها و عند استوائها.

یا در روایت سلیمان بن جعفری می‌‌گوید: لاینبغی ان یصلی اذا طلعت الشمس لانها تطلع بقرنی شیطان، بعد می‌‌گوید که فاذا انتصف النهار قارنها، وقتی می‌‌خواهد زوال بشود باز شیطان می‌آید، فلاینبغی لاحد ان یصلی فی ذلک الوقت لان ابواب السماء قد غلقت، حوالی یعنی نزدیک زوال که می‌‌شود شیطان می‌آید در کنار خورشید، این شیطان مثل این‌که ول کن خورشید نیست، موقع طلوع دو تا شاخش را می‌‌آورد که شیطان دو شاخش را قرار می‌‌دهد بین دو طرف خورشید، تطلع الشمس بقرنی شیطان، در غروب هم که تغرب بقرنی شیطان، ‌حوالی زوال هم می‌آید کنار خورشید سایه شومش را بر بنی‌آدم می‌‌گستراند، فاذا زالت الشمس فارقها، اذان ظهر که می‌‌شود شیطان می‌‌رود کنار.

این روایت هم و لو سندش ضعیف است اما مشهور شاید به این روایت استدلال کردند برای این‌که قبیل زوال شمس هم مکروه است نماز.

[سؤال: ... جواب:] این روایت در علل هست.

روایات دیگر هم هست که دیگه معطل نمی‌شویم.

یک نکته‌ای: در کافی روایتی نقل می‌‌کند از ابراهیم بن هاشم رفعه قال قال رجل لابی عبدالله، این‌هایی که مراسیل جزمیه را قبول دارند این جزء مراسیل جزمیه است دیگه، ابراهیم بن هاشم قال قال رجل لابی عبدالله علیه السلام، ‌در کافی هم که هست. ولی ما قبول نداریم هم در کافی بودن دلیل بر اعتبار نیست هم مرسل جزمی بودن دلیل بر اعتبار نیست و لو ارسال کننده‌اش شخص بزرگی مثل ابراهیم بن هاشم باشد. در اینجا دارد که: قال رجل لابی عبدالله علیه السلام الحدیث الذی روی عن ابی جعفر علیه السلام ان الشمس تطلع بین قرنی شیطان، ‌این حدیث چیه؟ قال نعم ان ابلیس اتخذ عرشا بین السماء و الارض فاذا طلعت الشمس و سجد فی ذلک الوقت الناس قال لابلیس لشیاطینه ان بنی‌آدم یصلون لی، می‌‌گوید اگر مردم هنگام طلوع آفتاب نمازی بخوانند که رکوع و سجود دارد، ‌شیطان به اعوان و انصارش می‌‌گوید که ان بنی‌آدم یصلون لی، معنای تطلع بین قرنی شیطان این است.

این راجع به روایاتی است که بطور مجموع دلالت می‌‌کرد بر نهی از نماز نافله در پنج وقت.

[سؤال: ... جواب:] چرا دیگه. ... یکی صحیحه عبدالله بن سنان بود که ما در دلالتش مناقشه کردیم لاصلاة فی نصف النهار الا یوم الجمعة که در مورد زوال بود. و این دو تا روایتی هم که خواندیم راجع به زوال بود، دو تا روایت دیگر بود که سندش ضعیف بود. لابد مشهور تسامح در ادله سنن را توسعه دادند اینجا هم جاری کردند یا خیلی گیر سند نبودند.

معارض این روایات را حالا بررسی کنیم. قبل از این‌که معارض این روایت را بررسی کنیم یک اشکالی به صاحب عروه است این را بیان کنم:

صاحب عروه گفت حالا این روایات را که ما اشکال داریم حمل بر تقیه می‌‌کنیم، ‌زبان حالش این است، قابل اشکال است کراهت نماز در این اوقات، ‌ولی اگر هم مکروه باشد، شامل جایی نمی‌شود که من نماز را شروع کردم، وسط نماز این وقت، طلوع شمس پیش آمد، غروب شمس پیش آمد.

خب این فرمایش ناتمام است. این روایات مطلق است و لو طرف نمازش را قبل از طلوع آفتاب شروع کرد، آنقدر طول دارد تا طلوع آفتاب شد. خب آن روایتی که می‌‌گوید که لاصلاة عند طلوع الشمس شاملش می‌‌شود دیگه.

[سؤال: ... جواب:] لاصلاة دیگه، نماز نیست. مثل این می‌‌ماند که روایت داریم که لایصلی الرجل و بحذائه امرأة تصلی. آقا! از شانس بد شما رکعت آخر نمازتان یک خانمی آمد کنار شما یا جلوی شما گفت الله اکبر. نماز شما هم باطل می‌‌شود. هست در عروه، آقای خوئی هم دارد، آقای سیستانی هم دارد. چرا؟ برای این‌که ارشاد به مانعیت است دیگه. می‌‌گوید صلات مرد نباید در جایی باشد که در کنارش زن نماز بخواند. جالب است می‌‌گویند صلات هم که اعم از صحیح و فاسد است و لو صلات فاسده. یک دختر بچه مثلا هشت نه ساله، ‌وضوئش هم درست نیست، آمد کنار شما، حجابش هم درست نیست، آمد کنار شما نماز خواندن، ‌حالا ممکن است این دختر نابالغ بگوییم امرأة صدق نمی‌کند ولی حالا امرأة‌ای باشد تکلیف شده اما نه وضوء درستی می‌‌گیرد نه حجاب درستی دارد، آمد نماز خواندن، نه قرائت درستی دارد، خب باشد، صلات فاسده صدق می‌‌کند دیگه، لاصلاة للرجل و بحذائه امرأة تصلی. اینجا هم همین است دیگه. فرق نمی‌کند. بقائا این صلات مقارن شد با این اوقات. وجهی برای این فرمایش صاحب عروه نیست که گفته که ادامه نماز اگر با این اوقات مقترن باشد اشکال ندارد.

راجع به معارض‌ها عمده معارض این روایت شریفه است: صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمة از چهار نفر از مشایخش محمد بن احمد شیبانی، علی بن احمد بن محمد دقاق، حسین بن ابراهیم مؤدب، علی بن عبدالله بن وراق، ‌رضی الله عنهم نقل می‌‌کند از ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی. ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی از اجلاء است، هم نجاشی می‌‌گوید کان ثقة هم شیخ در کتاب الغیبة می‌‌گوید که کان فی زمان السفراء المحمودین اقوام ثقات ترد علیهم التوقیعات منهم ابوالحسین محمد بن جعفر الاسدی. در اینجا دارد که: توقیع از امام علیه السلام آمد: اما ما سألت عنه من الصلاة عند طلوع الشمس و عند غروبها فلئن کان کما یقولون ان الشمس تطلع بین قرنی الشیطان و تغرب بین قرنی الشیطان فما ارغم انف شیطان افضل من الصلاة فصلها و ارغم انف الشیطان. توقیع امام حجت علیه السلام آمد که اگر راست می‌‌گویند که الشمس تطلع بین قرنی شیطان، یعنی عامه راست می‌‌گویند که این مطلب هست که الشمس تطلع بین قرنی شیطان و تغرب بین قرنی شیطان چه چیز بهتر از نماز برای ارغام انف شیطان؟ فصلها و ارغم انف شیطان.

هم دلالتش خوب است هم سندش خوب است. منتها در خصوص صلات عند طلوع الشمس و عند غروبها، آن دو وقت از آن پنج وقت، فقط در این دو مورد این روایت هست. آن سه وقت دیگر را این روایت متعرض نشده. بعد صلاة العصر الی الغروب، بعد صلاة الفجر الی الطلوع را مطرح نکرده.

مرحوم محقق در معتبر یک حرف عجیبی دارد، یک جمله بگویم، می‌‌گوید این معلوم نیست برای امام زمان باشد، ‌شاید محمد بن عثمان عمری را گفته، ‌فتوی داده.

این خیلی عجیب است. توقیع را ببینید! متنش واضح است که از امام حجت است. لایحل مال احد الا بطیبة نفسه فکیف بمالنا، ‌بعد تعبیر می‌‌کند که ما که عترت هستیم. این‌که لسان عمری نیست که؛‌ این لسان امام عصر سلام الله علیه است. چه جور شده محقق ندیده روایت را و لذا شکی نیست این توقیع امام عصر است. موثوق‌ الصدور است. هم دلالتش تمام است هم سندش.

تامل بفرمایید ان‌شاءالله تا فردا.